

# Analysis of the Reflection of the Great Iranian Famine Events in the Lacquer Pen Cases Held at the Malek National Museum

Mehdi Bakhshipour Moghaddam<sup>1</sup> | Mohsen Marasy<sup>2</sup>

## Abstract

**Purpose:** To examine the reflection of the events of the Great Iranian Famine (1917-1919) in the paintings of a lacquer pen case held at the Malek National Museum. The question of this research is that Which events related to the Great Iranian Famine are reflected in the paintings depicted on the lacquer pen case held at the Malek National Museum?

**Method and Research Design:** This research was conducted using a descriptive-content analysis method based on the reflection approach. The data were collected from library sources, documents, and observation.

**Findings and Conclusion:** The hidden paintings on the tongue of the lacquer pen case at the Malek National Museum reflect aspects of the famine-stricken society of Iran during the years 1917 to 1919. They can be seen as both a mirror and an echo of the voice of that era's society. The precision with which part of this social event is reflected in the lacquer pen case's paintings is notable. These four small paintings provide a clear image of the social and cultural condition of the people during the Great Famine at the end of the Qajar dynasty and represent a turning point in the social realism art of Qajar-era Iran.

**Keywords:** Lacquer pen case; Great Iranian Famine; reflection approach; World War I; Qajar.

**Citation:** Bakhshipour Moghaddam, M., & Marasy, M. (2024). Analysis of the Reflection of the Great Iranian Famine Events in the Lacquer Pen Cases Held at the Malek National Museum. *Ganjine-ye Asnad*, 34(1), 58-76 | doi: 10.30484/ganj.2024.3138

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. MA, Art Research Department,  
Shahed University, Tehran, Iran  
mahdi72117@gmail.com

2. Assistant Professor, Art Research  
Department, Shahed University, Teh-  
ran, Iran, (Corresponding author)  
marasy@shahed.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National  
Library & Archives of I. R. Iran). This  
is an Open Access article distributed  
under the terms of the Creative Com-  
mons Attribution 4.0 International,  
which permits others to download this  
work, share it with others and adapt  
the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«133»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2024.3138

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 34, No.1, Spring 2024 | pp: 58-76 (19) | Received: 25, Nov. 2023 | Accepted: 3, Mar. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

# تحلیل بازتاب وقایع قحطی بزرگ ایران در نقاشی‌های قلم‌دان لاک‌ی مضبوط در موزه ملی ملک

مهدی بخشی پور مقدم<sup>۱</sup> | محسن مراثی<sup>۲</sup>

## چکیده

**هدف:** شناخت بازتاب وقایع قحطی بزرگ ایران (۱۲۹۶ ش-۱۲۹۸ ش) در نقاشی‌های یکی از قلم‌دان‌های لاک‌ی مضبوط در موزه ملی ملک.

**پرسش پژوهش:** کدام یک از وقایع مربوط به قحطی بزرگ ایران در نقاشی‌های منقوش بر قلم‌دان لاک‌ی مضبوط در موزه ملی ملک بازتاب یافته است؟

**روش/ رویکرد پژوهش:** پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیل محتوا و بر مبنای رویکرد بازتاب انجام شده و داده‌های آن از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و مشاهده گردآوری شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** نقاشی‌های پنهان شده بر زبانه قلم‌دان لاک‌ی موزه ملی ملک، گوشه‌ای از جامعه قحطی‌زده ایران در خلال سال‌های ۱۲۹۶ ش تا ۱۲۹۸ ش را بازتاب داده است و به قولی آینه و پژواک صدای جامعه دوران خویش است. دقت بازتاب بخشی از این واقعه اجتماعی در نقاشی‌های قلم‌دان لاک‌ی مذکور قابل توجه است. این چهار نقاشی کوچک، تصویری واضح از وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم در دوران قحطی بزرگ انتهای سلسله قاجار به مخاطب خود نمایش می‌دهند و نقطه عطفی در هنر واقعیت‌گرای اجتماعی ایران در دوران قاجار به حساب می‌آیند.

**کلیدواژه‌ها:** قلم‌دان لاک‌ی؛ قحطی بزرگ ایران؛ رویکرد بازتاب؛ جنگ جهانی اول؛ قاجار.

**استناد:** بخشی پور مقدم، مهدی؛ مراثی، محسن. (۱۴۰۳). تحلیل بازتاب وقایع قحطی بزرگ ایران در نقاشی‌های قلم‌دان لاک‌ی مضبوط در موزه ملی ملک. *گنجینه اسناد*، ۳۴ (۱)، ۵۸-۷۶

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۳۸

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران  
mahdi72117@gmail.com
۲. استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)  
marasy@shahed.ac.ir



## گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۴,۳۱۳۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۳ | صص: ۵۸-۷۶ (۱۹)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

نقاشی زیرلاکی که بیش از هر چیز بر روی قلم‌دان‌ها اجرا شده‌است، در دوره‌های زند و قاجار با تحولات بی‌سابقه‌ای همراه شد و میزان تولید، کیفیت و ظرافت آن به اوج خود رسید. این هنر با برخورداری از سنتی که پیش‌ازین به تثبیت رسیده بود و با حمایت‌هایی که از جانب دربار و بازرگانان وجود داشت، به‌عنوان هنری فاخر به کمال رسید. در دوره ناصری با آن که سطح دانش عمومی در جامعه هم‌چنان بسیار پایین بود و اکثریت مردم از داشتن سواد بی‌بهره بودند، کاتبان و دیوانیان و صاحب‌منصبان ملزوماتی را برای کتابت نیاز داشتند که در این میان، قلم‌دان‌های لاک‌ی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و نشانه سواد محسوب می‌شدند. هنرمندان قلم‌دان‌نگار سعی می‌کردند طیف گسترده‌ای از مضامین و نقوش برگرفته از ادبیات کلاسیک، مجالس درباری، تصوف، محافل انس، و زنان و فرهنگ عامیانه را بر سطح و جداره آثار خود نقاشی کنند (فرهاد و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۱۵ و ۱۶). در پژوهش حاضر نقاشی‌های یکی از قلم‌دان‌های گنجینه موزه ملی ملک با شماره اموال ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۲۹ تحلیل شده‌اند که برخلاف مضامین رایج در قلم‌دان‌نگاری‌های هم‌دوره‌شان دارای مضامینی متفاوت‌اند و به‌گونه‌ای منحصر به فرد به نظر می‌رسند. قلم‌دان مدنظر این پژوهش، چهار نقاشی با مضامین بحران‌های اجتماعی و فجایع مرگبار را بر بدنه زبانه خود (محفظه داخلی قلم‌دان) جای داده‌است.

رویکرد بازتاب به‌عنوان مبانی نظری پژوهش انتخاب شده‌است. در این رویکرد، نویسندگان تاریخ اجتماعی فرض می‌کنند که هر اثر هنری در صورتی که موشکافانه و آکاوای شود، داده‌های فراوانی درباره خاستگاهش بازگو می‌کند؛ بنابراین یکی از اهداف تاریخ اجتماعی هنر آن است که فرضیه‌های اغلب پنهان و درک‌نشده مرتبط با مقاصد اجتماعی نهفته در نهاد و ماهیت آثار هنری را آشکار و بازسازی کند (بارنت، ۱۳۹۱، صص ۲۸۹-۲۹۵). از آن‌جاکه طبق این رویکرد بررسی مضمون اثر هنری تاحد بسیاری به تاریخ اجتماعی وابسته‌است، می‌بایست آنچه که در تاریخ کشورمان در شباهت با تصاویر رقت‌بار این قلم‌دان اتفاق افتاده‌است بررسی شود و با این تصاویر قیاس شود تا بیش‌ازپیش زوایای پنهان این اثر هنری و به‌تبع آن، تأثیرات وقایع اجتماعی و فرهنگی آن تاریخ آشکار شود. پرسش پژوهش: کدام‌یک از وقایع مربوط به قحطی بزرگ ایران در نقاشی‌های منقوش بر قلم‌دان لاک‌ی مضبوط در موزه ملی بازتاب یافته‌است؟

مضامین موجود در آثار هنری از وقایع، جریان‌ها و ارزش‌های جامعه خود متأثرند. براساس اسناد و شواهد موجود، به نظر می‌رسد که وقایع مستند درباره قحطی بزرگ ایران در خلال سال‌های ۱۲۹۶ش تا ۱۲۹۸ش، با نقاشی‌های ترسیم‌شده بر روی قلم‌دان مدنظر



شبهات‌های زیادی دارند. از این جهت فرض این پژوهش آن است که تصاویر نقاشی شده بر روی زیانه قلم‌دان مدنظر، بازتاب وقایع رقت‌بار قحطی بزرگ ایران در خلال سال‌های ۱۲۹۶ش تا ۱۲۹۸ش است.

شناسایی مصادیق واکنش هنرمندان سنتی به وقایع اجتماعی، در کنار مضامین متعدد رایج در هنرهای تزئینی، ضرورت انجام تحقیق حاضر است.

## ۲. پیشینه تحقیق

فرهاد و همکارانش (۱۴۰۱) در کتاب خود (شوق مجموعه‌داری)، مضامین قلم‌دان‌های لاک‌ی گنجینه اهدایی آقای سودآور را بررسی کرده‌اند. خلیلی (۱۳۸۶) نیز در کتاب خود (کارهای لاک‌ی)، آثار مجموعه خود را معرفی می‌کند و مضامین برخی از آن‌ها را تحلیل می‌کند. یآوری و ابتهاج همدانی (۱۳۹۰) نیز در کتاب خود (سیری در قلم‌دان‌های لاک‌ی روغنی ایران)، مضامین منقوش بر قلم‌دان‌های لاک‌ی را طبقه‌بندی کرده‌اند.

نایفی و همکارانش (۱۳۹۷الف) در پژوهش «بازتاب قلندران صفوی در نگاره "شتر ترکیبی همراه با ساریان"» ضمن بررسی و تعیین هویت درویش در نگاره‌ای از دوران صفوی، با در نظر گرفتن رویکرد بازتاب در هنر، در پی کشف ارتباط درویش و قلندران با جامعه دوران صفوی هستند و نقش اجتماعی آن‌ها را بررسی می‌کنند. نایفی و همکارانش (۱۳۹۷ب) هم‌چنین در پژوهش «حاکمیت بر رعایا: بازتاب ایدئولوژی صفویان در نقاشی‌های "مرد سوار بر اسب و فیل ترکیبی" (پیکره در پیکره)» با تحلیل نگاره‌ای، بازتاب ایدئولوژی صفویان در بحث حاکمیت بر رعایا را بررسی می‌کنند. در این پژوهش نیز پژوهش‌گران از رویکرد بازتاب در هنر بهره برده‌اند. سجادی باغبادرانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «مطالعه تحولات سیاسی و فرهنگی دوره شاه‌تیماسب صفوی و تأثیر آن در نقاشی این دوره با توجه به نظریه بازتاب»، تحولات سیاسی و فرهنگی دوره شاه‌تیماسب صفوی را مطالعه کرده‌اند و بر مبنای رویکرد بازتاب، تأثیر این تحولات در نقاشی‌های این دوره را واکاوی کرده‌اند.

## ۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیل محتوا و بر مبنای رویکرد بازتاب انجام شده و داده‌های پژوهش از منابع کتاب‌خانه‌ای و مشاهده‌ای گردآوری شده‌است. نمونه موردی پژوهش حاضر قلم‌دان لاک‌ی بی‌نشانی از دوره قاجار موجود در گنجینه موزه ملی ملک با شماره اموال ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۲۹ است که به روش تطبیقی تحلیل شده‌است.



#### ۴. رویکرد بازتاب

جامعه‌شناسی هنر با پذیرش این فرض آغاز می‌شود که اثر هنری در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ بلکه فرآورده یا تولیدی اجتماعی است. جامعه‌شناسی هنر به عناصر غیرزیبایی‌شناختی هم که در شکل و محتوای آثار هنری دخیل هستند توجه دارد (فاضلی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰). هنر همواره حاوی اطلاعاتی راجع به جامعه است و رویکرد بازتاب بر این ایده استوار است که هنر همواره داده‌هایی را دربارهٔ جامعه به ما می‌نمایاند. رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر شامل تحقیقات متنوع و گسترده‌ای است که فصل مشترک تمامی آن‌ها این باور است که هنر را جامعهٔ پیرامون آن مشروط و یا تعیین می‌کند؛ به‌زبانی بهتر، هنر آینهٔ جامعه است. تمرکز اصلی رویکرد بازتاب، جامعه‌شناختی است؛ به عبارتی به فهم جامعه معطوف است. در این رویکرد تمرکز محقق بر آثار هنری، سبب ارتقای فهم ما از جامعه می‌شود (الکساندر، ۱۳۹۳، صص ۵۵ و ۵۶).

یکی از نظریه‌های بازتاب که در مارکسیسم ریشه دارد معتقد است فرهنگ و ایدئولوژی هر جامعه (روبنای جامعه) روابط اقتصادی جامعه (اساس و زیربنای جامعه) را بازتاب می‌دهد (ویلیامز به نقل از الکساندر، ۱۳۹۳، ص ۵۵). مارکس خود در ۱۸۵۹م این‌گونه بیان می‌کند که شیوهٔ تولید حیات مادی، خصلت عام روندهای اجتماعی، سیاسی و معنوی زندگی را تعیین می‌کند. این آگاهی انسان‌ها نیست که هستی‌شان را تعیین می‌کند، بلکه برعکس، هستی اجتماعی آن‌ها است که آگاهی‌شان را تعیین می‌کند. با تغییر شالودهٔ اقتصادی، تمامی ساخت روبنا (ترکیب اشکال قانونی، سیاسی، مذهبی، زیبایی‌شناختی یا فلسفی) (و به‌طور خلاصه، ایدئولوژیکی) کم‌وبیش به‌سرعت تغییر می‌کند (مارکس به نقل از الکساندر، ۱۳۹۳، ص ۵۶). محققانی که از رویکرد بازتاب استفاده می‌کنند، ممکن است تغییرات اجتماعی را در طول زمان نیز رصد کنند (الکساندر، ۱۳۹۳، ص ۵۸)؛ به این معنا که آثار هنری تولیدشده در بستر جامعه، همگام با تغییرات اجتماعی متحول خواهند شد و پژوهش‌گر می‌تواند سیر تاریخی این تحولات را مطالعه کند.

مطالعات ذیل رویکرد بازتاب، اساساً شکلی از تحلیل اسنادی، مطالعهٔ اسناد معاصر یا اسناد تاریخی هستند. این اسناد تنها داده‌های مکتوب نیست و می‌تواند دیداری یا شنیداری، همچون نقاشی یا موسیقی نیز باشد. ویژگی مهم تحلیل اسنادی آن است که پژوهش‌گران را قادر می‌سازد گذشته را به‌خوبی زمان حال مطالعه کنند. از این جهت، آثار هنری تاریخی می‌توانند سرنخ‌هایی را از ادوار گذشته به ما عرضه کنند (الکساندر، ۱۳۹۳، ص ۷۳).



## ۵. قلم‌دان و قلم‌دان‌سازی ایرانی

قلم‌دان یکی از وسایل اهل کتابت است که در بیشتر مواقع با چسباندن لایه‌های کاغذی با سریش بر روی یکدیگر و یا با خمیر مقوا ساخته می‌شود و در نهایت با تزیینات منقوش می‌شود و جلا داده می‌شوند (یاوری و ابتهاج همدانی، ۱۳۹۰، صص ۲۵-۲۷). قلم‌دان‌نگاری، نقاشی آب‌رنگ با اسلوب «پرداز» بر روی قلم‌دان مقوایی است که از اواخر سده یازدهم قمری (قرن هفدهم میلادی) در ایران رایج شد. بسیاری از نقاشان سده‌های دوازدهم و سیزدهم قلم‌دان‌نگار هم بوده‌اند و برخی نیز تمام فعالیت خود را به این هنر اختصاص داده بوده‌اند. شاید بتوان رواج قلم‌دان‌نگاری را با عواملی چون کاهش مصوّرسازی کتاب در دربار ایران، پیدایش حامیان جدید از میان دولت‌مندان شهری مرتبط دانست (پاکباز، ۱۳۹۰، ص ۳۸۵). قلم‌دان از نظر اجتماعی نمایانگر حرفه کاتبان و نویسندگان بود که در تمام اوقات یکی از آن‌ها را همراه خود داشتند. در پاره‌ای از اوقات قلم‌دان نمادی از عنایات ملوکانه به طبقه کاتبان بوده‌است. وقتی سلطان یا حاکمی قلم‌دانی به شخصی عطا می‌کرد، همگان می‌دانستند که شاهین اقبال بر دوش کاتب نشسته‌است و احتمالاً به وزارت و یا منصبی اداری گماشته خواهد شد و متقابلاً پس گرفتن قلم‌دان نشان از عزل صاحب‌منصب بود (شهری، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۶۸ و ۶۹).

قلم‌دان‌ها در اشکال گوناگونی ساخته می‌شدند؛ ولی گونه فراگیرتر آن‌ها مشتمل بر غلافی است که در فارسی بانام «طبله» از آن یاد شده‌است. هم‌چنین محفظه‌ای کشویی درون غلاف داخل می‌شود که در فارسی آن را «زبان» می‌خوانند (خلیلی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۵). درباره تزیینات قلم‌دان‌ها باید گفت که عمده سبک‌ها و موضوعات نقاشی و تزیینات مورد استفاده در این گونه از آثار صحنه‌های شلوغ جنگ، رویدادهای تاریخی با تمامی جزئیات، نقاشی گل و مرغ، چهره رجال قاجاری و نقش مایه‌ها و ترکیب‌بندی‌های اروپایی همچون صحنه‌های مسیحی، پیکره‌های دوره ویکتوریایی انگلستان و منظره‌های شهری اروپایی بوده‌است (پاکباز، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷).

## ۶. قلم‌دان بی‌نام موجود در گنجینه موزه ملک تهران

قلم‌دان لاک‌ی با شماره اموال ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۲۹ موزه و کتاب‌خانه ملی ملک، یکی از آثار موجود در گنجینه این مجموعه است که در سال ۱۳۱۶ ش توسط واقف آن، حاج حسین آقا ملک، برای نگهداری و نمایش به ثبت رسیده‌است. متأسفانه هیچ اطلاعی درباره هنرمند سازنده و نقاش و تاریخ خلق قلم‌دان مذکور در دست نیست و به نظر می‌رسد هنرمند از ثبت این مشخصات بر روی اثر امتناع ورزیده باشد. تنها همین مشخصات مربوط به تاریخ ثبت اثر در موزه، موجود است.

۱- شیوه‌ای در نقاشی است که با بی‌شمار نقاط و ضربه‌های ریز قلم‌مو اجرا می‌شود. این روش در نقاشی ایرانی و به‌ویژه فرنگی‌سازی استفاده می‌شده‌است (پاکباز، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸).



تصاویر طبله قلم‌دان که شامل نقاشی شاخصی بر سطح فوقانی طبله قلم‌دان (غلاف) و چهار تصویر در قسمت‌های جانبی به صورت دویه دو کار شده است، دارای مضامین درباری، مجالس و جشن‌های شاهانه و هم‌چنین تصویر مجلس شیخ صنعان و دختر ترسا (مسیحی) است که در قلم‌دان‌نگاری دوران قاجار مرسوم و رایج بوده است. ولی آنچه که این قلم‌دان را شاخص و منحصر به فرد می‌نمایاند، نقاشی‌های تصویر شده بر روی زبانه قلم‌دان (نقاشی‌های بدنه کشوی داخل قلم‌دان) است (جدول ۱).

شماره	نقاشی‌های زیرلاکی قلم‌دان
تصویر ۱: نقاشی سطح فوقانی غلاف قلم‌دان	
تصویر ۲: نقاشی سطح جانبی غلاف قلم‌دان	
تصویر ۳: نقاشی سطح جانبی غلاف قلم‌دان	
تصویر ۴: نقاشی سطح جانبی زبانه قلم‌دان	
تصویر ۵: نقاشی سطح جانبی زبانه قلم‌دان	

### جدول ۱

نقاشی‌های رویه غلاف و زبانه قلم‌دان  
لاکی موجود در گنجینه موزه ملک (طراحی  
جدول از نویسندگان)





نقاشی‌های منقوش بر زبانه قلم‌دان لاکه، ۴ عدد است که به صورت دویه در دو طرف زبانه و در کادرهای افقی و بیضی شکل تصویر شده‌اند. تصویری که می‌توان ابتدا به آن پرداخت، نمایی از داخل نانواپی است که عدّه زیادی در مقابل آن تجمع کرده‌اند و در حال اعتراض‌اند. دست‌های گره‌کرده و بالاآمده مردم که چیزی شبیه به پول یا اسکناس در دستشان دیده می‌شود و مأمور محتسب به همراه پیکرهای نیمه‌عریانی که در مقابل آنان ایستاده‌اند، این اعتراض را نمایش می‌دهند. وجود افراد نیمه‌عریانی که توسط مأمور دستگیر شده‌اند، نشان از وضعیت پیچیده نان و نانواپی و در همین راستا، نشان از وضعیت نابه‌سامان معیشتی جامعه نقاش دارد. نانوا نیز با وجود کمبود نان در قفسه‌ها، با دقت در حال توزین نان است (سمت چپ تصویر ۴). در نقاشی دوم که در کنار نقاشی اول خلق شده، دشتی عظیم بازنمایی شده است که به دلیل وجود انبوه اجساد بی‌کفن، اجساد کفن‌شده، مقبره‌ها و سنگ‌قبرها، نمایی از گورستان را به مخاطب می‌نمایاند؛ گورستانی که اجساد در آن دفن نشده‌اند و بر روی هم انباشته شده‌اند و تعدادی از این اجساد کفن دارند و تعداد دیگری عریان و نیمه‌عریان هستند. وجود این تفاوت به حتم بی‌دلیل نبوده است؛ چراکه افراد عریان با ظاهری غیرعادی ترسیم شده‌اند و به نظر می‌رسد که دارای بیماری‌هایی بوده‌اند و بدنشان تیره‌تر و لاغر است و با موهای ریخته سر تصویر شده‌اند. از طرفی وجود حوضچه‌ای مسقف در مرکز نقاشی که می‌تواند نمادی از غسل‌خانه گورستان باشد و اجساد با ظاهر بیمار و بدون کفن و دفن به یقین نشان از دو موضوع دارد: یکی شیوع بیماری و آلودگی و مرگ‌ومیر در پی آن و دیگری فقر صاحبان اموات برای کفن و دفن امواتشان (سمت راست تصویر ۴).

دو تصویر دیگر در آن سوی زبانه قلم‌دان شرایط اجتماعی وخیم‌تری را به نمایش گذاشته‌اند. در نقاشی سمت راست جمعی از انسان‌های عریان، با ظواهری نامتعارف، بدنی رنجور و لاغر که استخوان‌های بدنشان از زیر پوست تیره آن‌ها کاملاً مشخص است و موهای سرشان گری (کچلی) گرفته است، با چهره‌ای وحشی و غضب‌آلود، همگی به سوی نوجوانی که تکه‌نانی در دست دارد، در حال حمله هستند. نقاش به شیوه‌ای هنرمندانه حالت ترس و وحشت را در چهره نوجوان ایجاد کرده است. وضع ظاهر و لباس‌های نوجوان نشان می‌دهد که از وضعیت اجتماعی و اقتصادی به مراتب بهتری برخوردار است و با هجمه‌کنندگان نسبت چندانی ندارد. در گوشه سمت چپ نقاشی و هم‌چنین در زیر پای این نوجوان، دو نفر به دلیل ضعف جسمانی، از حال رفته‌اند و بر روی زمین افتاده‌اند و توان حمله را نیز ندارند. فرد دیگری نیز در سمت راست تصویر حضور دارد که در کنار آتش نشسته است و به نظر می‌رسد علوفه و یا شاخه‌هایی از گیاهان را در دست دارد و یا در حال پختن آن‌ها است (سمت راست تصویر ۵).





آخرین نقاشی از چهار نقاشی زبانه قلم‌دان، روایتی از حمله تعدادی انسان تقریباً عریان، به مرکبی (اسب یا ...) است که شاید هنوز نیمه‌جانی در بدن دارد. انسان‌های مهاجم دقیقاً همان ویژگی‌های ظاهری‌ای را دارند که انسان‌های عریان در نقاشی‌های قبل دارا بودند. در میانه قاب تصویر، مرکبی را می‌بینیم که با چشمانی نیمه‌باز و با حالتی رنجور به دلیل تکه‌تکه شدن بدنش در حال دردکشیدن و جان‌دادن است. انسان‌های عریان و رنجور، وحشیانه به این حیوان هجوم آورده‌اند و در حال قطعه‌قطعه کردن آن هستند. نقاش، زیرکانه حرص، طمع و میزان فقر، گرسنگی و درنده‌خویی این مردمان را با به تصویر کشیدن نزاعی خونین بر پیکر این حیوان -ظاهراً به دلیل به‌چنگ آوردن گوشت بیشتری از آن- تصویر کرده‌است. دو سگ نیز در حال بلعیدن باقی مانده گوشت تن حیوان هستند. در گوشه سمت راست تصویر نیز مردی رنجور دیگچه‌ای را بر آتش نهاده‌است و به نظر می‌رسد که در حال پختن غذا است (سمت چپ تصویر ۵).

تصاویر منقوش بر بدنه قلم‌دان، مطابق سنت رایج با تصاویر تزئینی خوش‌رنگ‌ولعابی تزئین شده‌اند که مربوط به داستان شیخ صنعان است؛ ولی در تقابل با آن، در سطح داخلی و روی زبانه قلم‌دان واقعیات اجتماعی دوران زیست نقاش ترسیم شده و بازتاب یافته‌است. ظاهری زیبا همانند پوسته‌ای دروغین روی واقعیت درونی را پوشانده‌است. در بررسی و تحلیل اجزای این چهار نقاشی تصویر شده بر روی زبانه قلم‌دان، می‌توان متوجه وجود خط سیری واحد در روایت هنری و مضامین اجتماعی رقت‌باری در آن‌ها شد. از این جهت، به نظر می‌رسد که نقاش در همین فضای مختصری که در اختیار داشته، سعی کرده‌است تا اوضاع بحران‌زده و مرگ‌بار جامعه پیرامون خود را ترسیم کند و برای حفاظت از هر نوع حک و اصلاح، آن را درون غلاف شیئی فرهنگی (قلم‌دان) پنهان کند.

## ۷. واقعه قحطی بزرگ ایران در خلال جنگ جهانی اول

با وجود بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول، در طول این جنگ ضربات و خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکر میهن و ملت ایران وارد آمد. ورود بی‌محابای قوای بیگانه و نیروهای متخاصم به خاک ایران، در فقدان دولتی قوی، متمرکز و کارآمد، هرج و مرج و ناامنی و پراکندگی و بی‌ثباتی بیشتر و در نتیجه قحطی بزرگی را رقم زد و به تشدید ضعف دولت مرکزی و وخامت وضع اقتصادی و اجتماعی مردم ایران منتهی شد. در نتیجه ایران بی‌طرف که با هیچ کشوری در جنگ نبود، تقریباً به اندازه کشوری در حال جنگ خسارت و خرابی و تلفات را متحمل شد. از این رو شمار زیادی از مردم ایران، در ابعادی باورنکردنی به ورطه مرگی هولناک افتادند (مجد، ۱۳۸۷، ص ۷). اخبار و گزارش‌های مربوط به این



قحطی، در روزنامه‌های آن زمان و معدود کتاب‌های تاریخی آن دوره و خاطرات بعضی از رجال و دست‌اندرکاران، از جمله خاطرات بعضی از افسران انگلیسی که در آن دوره در ایران حضور داشته‌اند و از نزدیک شاهد ماجرا بوده‌اند، تا حدودی منعکس شده است که بخش‌های مرتبط با پژوهش حاضر را ذکر خواهیم کرد.

جان لارنس کالدول<sup>۱</sup>، وزیرمختار آمریکا در ایران در گزارشی با عنوان «فقر و رنج در ایران» به تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۱۷م در تشریح قحطی فزاینده و اوضاع ناوایی‌ها می‌نویسد: «در ناوایی‌های عمومی افراد زیادی گرد می‌آیند و هرکدام منتظر نوبت یا اقبال خود برای خرید نان می‌شوند و اغلب ناامید و گرسنه رانده می‌شوند. مأموران نظمیه در این ناوایی‌ها مستقر می‌شوند تا نظم را برقرار کنند و افراد سمج و گرسنه را عقب نگه دارند. نتیجه آن است که اغلب، بلوایی برپا می‌شود و در مواردی خون‌ریزی هم شده است. متکدیان چندبرابر شده [اند] و صدها تن از آن‌ها در خیابان‌ها به شکلی اسفبار می‌گریند و گدایی می‌کنند و گاهی اوقات فردی را محاصره می‌کنند و به او هجوم می‌برند» (مجد، ۱۳۸۷، ص ۳۸). تصویر ناهنجار بعدی در همین ماه در روزنامه محلی مفتش ایران به ثبت رسیده است: «فقر در ب دکانین خبازان و سایر فروشندگان ارزاق، هیئتی تشکیل داده و به مجرد اینکه یک نفر شخص آبرومند با هزاران زحمت و مشقت از برای بستگان و عیال خویش تحصیل دو قرص نان یا یک سیر حبوبات دیگر می‌کند، بر سر آن بیچاره ریخته، غارتش می‌کنند. بلکه درحین غارت جیب و بغل او را خالی [می‌کنند]» (مفتش ایران، ۱۳۳۶، ش ۲). در گزارش‌ها و اخبار به دست آمده از وضعیت ارزاق عمومی و هم‌چنین گندم و نان، جفرسون کفری<sup>۲</sup> کاردار موقت آمریکا، در گزارشی به تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۱۷م چنین می‌نویسد: «صف‌های طویل جمعیت، ساعت‌ها بیرون ناوایی‌ها منتظر می‌شوند تا شاید نانی با کیفیت بسیار نازل و با قیمتی بسیار گزاف بخرند» (کفری به نقل از مجد، ۱۳۸۷، صص ۳۵ و ۳۶). خانم وایلد پی. ایس<sup>۳</sup>، درباره وضعیت نابه‌سامان و فوق بحرانی جامعه در تلگرافی به تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۱۷م، از ارومیه خطاب به کمیته امداد آمریکا در نیویورک چنین می‌نویسد: «تعدادی از کُردهای آواره شده از روستاهای کوهستانی، با ژنده‌پاره‌هایی وصف‌نشدنی به عنوان لباس بر تن، غوطه‌ور در کثیفی‌های بسیار و قحطی و بیماری، مانند سگ‌های ولگرد بر سر لاشه مرداری باهم مبارزه می‌کنند» (ایس به نقل از مجد، ۱۳۸۷، ص ۶۱).

روزنامه محلی دیگری در ماه صفر ۱۳۳۶ ق / نوامبر ۱۹۱۷م این تصویر را از فاجعه ارائه می‌دهد: «آیا از منظره‌های رقت‌آور دکان‌های ناوایی، که آن صداها هر شنونده‌ای را که دلش از آن سخت‌تر نباشد گریان می‌نماید، بنویسم [؟] یا از [محتکرین بی‌انصاف با اسب و کالسکه از روی اجساد مطهر آن‌ها می‌گذرند و پوزخند می‌زنند] [؟] فکر می‌کنم

1. John Lawrence Caldwell  
2. Jefferson Caffery  
3. Wilder P. Ellis



که از این اطفال خردسال به سن پنج‌ساله و هفت‌ساله قلم را به جولان درآوریم که هنگام عبور کردن، از گرسنگی، گردن‌ها کج، رنگ پریده، لخت و برهنه برای لقمه‌ای نان هزاران التماس می‌کنند» (کاشف اسرار، ۱۳۳۶، ش ۱۱).

در بررسی روزنامه‌ها و گزارش‌های روزانه درباره مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی و قحطی، روزنامه ایران در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷م می‌نویسد: «گزارشی از تبریز نشان می‌دهد که روزانه تعداد زیادی از مردم در اثر گرسنگی در ساوج‌بلاغ می‌میرند» (مجد، ۱۳۸۷، ص ۴۱). هم‌چنین روزنامه رعد در ۲۷ نوامبر ۱۹۱۷م، گزارشی درباره اوضاع کردستان دارد: «هر روز تعداد زیادی از مردان و زنان در اثر گرسنگی می‌میرند. روس‌ها تمام جو موجود در بازار را برای اسب‌هایشان جمع‌آوری کرده‌اند» (رعد، ۲۷ نوامبر ۱۹۱۷). شاهدی عینی در خاطرات خود، تعداد کسانی را که در اثر قحطی در همان سال اول در تهران درگذشته‌اند، دست‌کم ۳۰،۰۰۰ نفر ذکر کرده‌است که اجسادشان در خیابان‌ها و معابر پایتخت پراکنده بوده‌است. به‌علاوه در مرده‌شوی‌خانه‌ها اجساد را در پشته‌های بزرگ روی هم انباشته می‌کرده‌اند و سپس در گورهای دسته‌جمعی دفن می‌کرده‌اند (عمیدی نوری، ۱۳۸۱، صص ۳۷ و ۳۸). دانوهو، خبرنگار مشهور جنگی که به ارتش انگلستان پیوسته بود، در ژانویه ۱۹۱۸م مشاهدات خود را از فاصله میان ماهی‌دشت تا کرمانشاه، چنین می‌نویسد: «در کناره‌های رودخانه‌ای که کنار جاده بود گروهی از گرسنگان استراحت می‌کردند. اعضای آن که مردان و پسران بودند تقریباً نیمه‌برهنه بودند؛ اندک لباسی که بر تن داشتند، کهنه‌پارچه‌هایی آویخته بر بدن‌های رنجورشان بود و به‌نظر می‌رسید همه در اثر گرسنگی، اوضاع جسمی بدی داشتند. روشن بود که کار برخی از آنها تمام است. آنها قادر نبودند کار بیشتری انجام دهند و دراز کشیده و منتظر فرشته مرگ بودند [...] و از ناچاری مثنی ریشه گیاهان یا علف‌های درشت را گاز می‌زدند» (Donohoe, 1919, pp 103-104). در ۱۴ فوریه ۱۹۱۸م دکتر ساموئل جردن<sup>۲</sup> رئیس کالج آمریکایی در تلگرافی چنین می‌نویسد که تنها در تهران چهل‌هزار بینوا وجود دارد. مردم مردار حیوانات می‌خورند و زنان نوزادان خود را سر راه می‌گذارند. در توصیف گسترش بیماری‌ها و وضعیت خوراک در دوران قحطی، در ۴ می ۱۹۱۸م، دکتر ساموئل جردن به چارلز ویکری<sup>۳</sup> در نیویورک در بخشی از تلگراف خود چنین بیان می‌کند: «قحطی برخلاف انتظار روبه‌افزایش است و با همه‌گیری گسترده تیفوئید و تیفوس همراه شده‌است. مواد غذایی را تقریباً نمی‌توان تهیه کرد؛ قیمت‌ها هنگفت است؛ مردم علف، سگ، مردار حیوانات و حتی انسان را می‌خورند» (جردن به‌نقل از مجد، ۱۳۸۷، صص ۴۵-۴۸).

1. M.H. Donohoe
2. Dr. Samuel Jordan
3. Charles Vickery



در توصیف وضع جسمانی مردمان قحطی زده، فرانسویس وایت<sup>۱</sup> دبیر هیئت نمایندگی آمریکا که از بغداد به تهران در حال سفر بوده است، در گزارشی در آوریل ۱۹۱۸م ذکر می‌کند: «در تمام طول جاده، کودکان برهنه را که جز پوست و استخوان نیستند می‌توان دید. اندازه دور پای آن‌ها بیش از سه اینچ نیست. صورت‌هایشان رنگ پریده، پای چشم‌انشان گودافتاده و پوستشان چون سالخورده‌گان هشتادساله چروکیده است. فقر همه‌جا را گرفته است و مردم از ناچاری علف و یونجه می‌خورند» (وایت به نقل از مجلد، ۱۳۸۷، صص ۵۰ و ۵۱). لیونل چارلز دنسترویل<sup>۲</sup> از امرای ارتش انگلستان در ایران که سال ۱۹۱۸ وارد ایران شد، به ذکر صحنه‌ای از ماجرای نان سنگک می‌پردازد که گله تماشاگران گرسنه به سوی پسرکی هجوم می‌آورند و آن‌چنان ازدحام می‌کنند که پسرک زیر دست و پای گرسنگان تا پای مرگ می‌رود. او این اتفاق را کاملاً وحشیانه، توصیف می‌کند (Dunster-ville, 1920, p111).

دانوهو درباره تلفات گسترده و فجایع انسانی در شهر همدان نیز مواردی را این چنین بیان می‌کند: «کنسول بریتانیا در همدان، براساس آماری رسمی، شمار قربانیان قحطی را روزانه دویست نفر اعلام کرد. همدان شهر وحشت بود؛ اجساد دفن نشده قربانیان، اعم از زن و مرد و کودک، در خیابان‌ها و اطراف مقرهای انگلیسی‌ها ریخته بود. بازماندگانی که گرسنگی آن‌ها را به پوست و استخوان تبدیل کرده [است]، گیاه‌خوار شده‌اند» (Donohoe, 1919, pp 117-118). در روزنامه‌ای آمده است: «گوشت خر و یابوی مرده در خیابان‌ها افتاده و سگ‌ها اطراف او را گرفته می‌خورند. فقرا هم اجتماع کرده و با سگ‌ها و با همدیگر منازعه می‌کنند» (اخوت، ۱۳۸۶، ص ۲۵۴). از دیگر صحنه‌های فاجعه‌آمیز ثبت شده آن است که «در هر گوشه که اسب و قاطر و خر نیم‌جانی به خیال استراحت افتاده و خواسته باشند غلطی زده نفسی بیاسایند، فوراً فقرای شهر بدون بیم و تصور مؤاخذه بر سر آن حیوان زنده ریخته، با دندان و ناخن زنده زنده قطعات گوشت از بدن آن حیوان جدا ساخته، خام خام فرومی‌برند؛ چنان‌که هر بیننده از مشاهده این حال بی‌اختیار اشکش فرومی‌ریزد» (مفتش ایران، ۱۳۳۶، ش ۲).

این تنها بخش کوتاهی از توصیفات و گزارش‌های باقی مانده از دوران قحطی بزرگ ایران در خلال جنگ جهانی اول است که قطعاً کمک شایانی به پژوهش حاضر برای بررسی نقاشی‌های مرتبط با این موضوعات و انطباق نقاشی‌ها با تاریخ اجتماعی دوران قحطی خواهد بود. براین اساس، در جدول ۲ جزئیات تاریخ اجتماعی قحطی بزرگ و گزارش‌های برجای مانده از آن، با جزئیات نقاشی‌های زبانه قلم‌دان مدنظر مطابقت داده می‌شود (جدول ۲).

1. Francis White  
2. L. C. Dunsterville



بازتاب گزارش‌های قحطی در جزئیات نقاشی‌های قلم‌دان مورد مطالعه	گزارش‌های تاریخی از قحطی بزرگ ایران	ردیف
	صف‌های طویل جمعیت بیرون نانوايي‌ها	۱
	استقرار مأموران نظمیة در نانوايي‌ها برای ایجاد نظم و عقب‌نگه‌داشتن افراد گرسنه	۲
	پشته‌های بزرگ اجساد مردم درمقابل درب مرده‌شوی خانه‌ها با پوست‌هایی چروکیده و بعضی بدون کفن	۳
	کودکان برهنه با بدنی لاغر و «پوست‌واستخوان»، پوست‌های رنجور و چروکیده و بیمار و شیوع بیماری‌های تیفوس و تیفوئید	۴
	ناتوانی گرسنگان قحطی‌زده از راه رفتن و حرکت کردن، و درازکشیدنشان روی زمین	۵
	حمله دسته‌جمعی فقرابه پسری‌نان‌به‌دست	۶

## جدول ۲

نقاشی‌های رویه غلاف و زبانه قلم‌دان لاکي موجود در گنجینه موزه ملک (طراحی جدول از نویسندگان)

ردیف	گزارش‌های تاریخی از قحطی بزرگ ایران	بازتاب گزارش‌های قحطی در جزئیات نقاشی‌های قلم‌دان مورد مطالعه
۷	خوردن علف، یونجه و ریشه گیاهان	
۸	بدن‌های نیمه‌برهنه (پوششی در حد تکه پارچه‌ای کهنه)	
۹	قحطی‌زدگانی نیمه‌برهنه با ژنده‌پاره‌هایی کثیف و بدن‌هایی آلوده، در حال مبارزه بر سر مردار حیوانات، در حالی که سگ‌ها هم منتظرند تا چیزی به آن‌ها برسد.	

## ادامه جدول ۲

مطابقت صحنه‌های تاریخی گزارش شده  
از قحطی بزرگ ایران با جزئیات  
نقاشی‌های زیانه قلم‌دان لاکي مدنظر  
(نویسندگان)

گزارش‌های تاریخی قحطی بزرگ با نقاشی‌های زیانه قلم‌دان لاکي مدنظر (جدول ۲) تطابق دقیق و ریزبینانه‌ای دارد و نقاش با وجود محدودیت بسیار در خلق این تصاویر - به دلیل سطوح کوچک زیانه قلم‌دان - در مصورکردن اتفاقات و بحران‌های اطراف خود با بیشترین جزئیات سعی فراوانی داشته است. بی شک نگاه تیزبین و اندیشه متفاوت این هنرمند در خلق این اثر، می‌تواند نقطه عطفی در هنر اجتماعی (رنالیسم اجتماعی) و معاصر ایران به‌شمار آید.

## ۸. نتیجه‌گیری

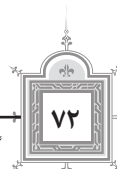
جامعه‌شناسی و آثار هنری، رابطه‌ای دوسویه دارند. از سویی تحلیل آثار هنری مدارکی تکمیلی از نحوه زندگی و تعامل گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه از ادوار گذشته که امروزه بررسی و مشاهده مستقیم آن‌ها امکان‌پذیر نیست، ارائه می‌دهند و از سویی دیگر، مطالعه جامعه‌مرتبط با تولید اثر هنری، به رفع ابهامات موجود در اثر هنری کمک می‌کند. بنابه مستندات تاریخی و اجتماعی، به دلیل قحطی بزرگ ایران در خلال سال‌های ۱۲۹۶ ش الی ۱۲۹۸ ش، به دلایل متعدد از جمله اشغال ایران توسط قوای متفقین در جنگ جهانی اول و ضعف و بی‌کفایتی حاکمیت مرکزی

ایران، جامعه ایران دست‌خوش وضع رفّت‌باری شد که تمام ارکان زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم آن دوره را متحول کرد. بررسی تصاویر و پیکره‌های منقوش بر زبانۀ قلم‌دان لاکه مدنظر و تطبیق آن‌ها با تاریخ اجتماعی دوران قحطی بزرگ ایران و گزارش‌های دقیق ثبت‌شده از این دوره، نشان می‌دهد که بین نقاشی‌ها و گزارش‌های تاریخی از جامعه آن روز انطباق قابل‌توجهی وجود دارد. با ارزیابی داده‌های جدول ۲ مشاهده شد که صحنه‌های تاریخی گزارش‌شده از قحطی بزرگ ایران با جزئیات دقیقی در عناصر تصویری نقاشی‌های قلم‌دان لاکه بازتاب داده شده‌است. ظاهر بیمار و گرسنه پیکره‌ها، جسم رنجور و لاغر و تقریباً عریان افراد در کشمکش برای زنده ماندن، اجساد انباشته‌شده مردم و نانوایی‌های مملو از جمعیت گرسنه و درگیری و نزاع بر سر گوشت مردار حیوانی بی‌نوا و یا تکه‌نانی کوچک، با ظرافتی مثال‌زدنی در کادرهای کوچک نمای جانبی زبانۀ قلم‌دان، عیناً مشابه گزارش‌های تاریخی و هم‌چنین مشاهدات هنرمند از جامعه خود بازنمایی شده‌اند. بر همین اساس این چهار نقاشی کوچک، تصویری دقیق از جامعه دوران خلق خود، یعنی جامعه قحطی زده ایران را بازتاب داده‌اند و به‌قولی آینه و پژواک صدای جامعه خویش‌اند. هم‌چنین دقت بازتاب این واقعه اجتماعی در نقاشی‌های قلم‌دان لاکه موزه ملی ملک قابل‌توجه ارزیابی می‌شود؛ تاحدی که همین چهار نقاشی کوچک، تصویری واضح از دوران قحطی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم در انتهای سلسله قاجار به مخاطب خود نمایش می‌دهند و نقطه عطفی در هنر واقعیت‌گرای اجتماعی ایران در دوران قاجار به حساب می‌آیند. شناسایی آثاری از این دست که به‌عنوان اسناد تاریخی قابل‌توجه هستند، می‌تواند موضوعی بااهمیت برای پژوهش‌های آتی باشد.

## منابع

### کتاب

- اخوت، میرزا عبدالجواد. (۱۳۸۶). *از طبابت تا تجارت: خاطرات یک تاجر اصفهانی*. حاج میرزا عبدالجواد اخوت. تهران: تاریخ ایران.
- الکساندر، ویکتوریا. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی هنرها: شرحی بر اشکال زیبا و مردم‌پسند هنر*. (چ ۲). اعظم راوودراد، مترجم. تهران: متن.
- بارنت، سیلوان. (۱۳۹۱). *راهنمای تحقیق و نگارش در هنر*. (بتی آواکیان، مترجم). تهران: سمت.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۵). *نقاشی ایرانی: از دیرباز تا امروز*. (چ ۵). تهران: زرین و سیمین.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۰). *دایره‌المعارف هنر*. (چ ۱۱). تهران: فرهنگ معاصر.
- خلیلی، ناصر. (۱۳۸۶). *کارهای لاکه*. (سودابه رفیعی سخایی، مترجم). تهران: کارنگ.
- شهری، جعفر. (۱۳۷۱). *طهران قدیم*. (ح ۱). (چ ۳). تهران: بینا.





عمیدی نوری، ابوالحسن. (۱۳۸۱). *یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

فرهاد، معصومه؛ مک‌ویلیامز، مری؛ رتیگ، سایمون. (۱۴۰۱). *شوق مجموعه‌داری: گنجینه آثار لاکمی ایران در عصر قاجار از مجموعه عزت‌الملک سودآور*. (علی‌رضا بهارلو و کیانوش معتمدی، مترجمان). ساری: خانه فرهنگ و هنر مان.

مجدد، محمدرضی. (۱۳۸۷). *قحطی بزرگ*. (محمد کریمی، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

یاوری، حسین؛ ابتهاج همدانی، هلیا. (۱۳۹۰). *سیری در قلم‌دان‌های لاکمی‌روغنی ایران (با تأکید بر قلم‌دان‌های لاکمی دوره قاجار)*. تهران: سیمای دانش.

## مقاله

سجادی باغبادرانی، سیده؛ خواجه‌احمد عطاری، علی‌رضا؛ آشوری، محمدتقی؛ خدای، علی‌رضا. (۱۴۰۰). «مطالعه تحولات سیاسی و فرهنگی دوره شاه‌تیماسب صفوی و تأثیر آن در نقاشی این دوره با توجه به نظریه بازتاب». فصل‌نامه علمی نگره، ۱۶(۵۸)، صص ۸۹-۱۰۳.

فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۷۴). «درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات». فصل‌نامه علوم اجتماعی (دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی)، ۴(۷-۸)، صص ۱۰۷-۱۳۳.

نایفی، صدیقه؛ جوانی، اصغر؛ مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۷الف). «بازتاب قلندران صفوی در نگاره شتر ترکیبی همراه با ساریان». فصل‌نامه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۰(۱)، صص ۱۵۳-۱۸۷.

نایفی، صدیقه؛ جوانی، اصغر؛ مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۷ب). «حاکمیت بر رعایا: بازتاب ایدئولوژی صفویان در نقاشی‌های "مرد سوار بر اسب و فیل ترکیبی" (پیکره در پیکره)». فصل‌نامه تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۴(۲۸)، صص ۱۲۱-۱۵۸.

## روزنامه و نشریه

رعد، ۲۷ نوامبر ۱۹۱۷.

کاشف اسرار، ۱۳۳۶، ش ۱۱.

مفتش ایران، ۱۳۳۶، ش ۲.

## منابع اینترنتی

B2n.ir/r/03034 قلم‌دان لاکمی با نقش زندگی اجتماعی - دوره تاریخی: نامعلوم در



## English Translation of References

### Books

- Alexander, Victoria. (1393/2014). *“Jāme’-e-šenāsi-ye honar-hā: Šarhi bar aškāl-e zibā va mardom-pasand-e honar”* (Sociology of arts). Translated by Azam Ravadrad. Tehran: Matn. [Persian]
- Amidi Nouri, Abolhassan. (1381/2002). *“Yāddaštāhā-ye yek ruznāme-negār”* (Notes of a journalist). Tehran: Mo’assese-ye Motale’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies). [Persian]
- Barnett, Sylvan. (1391/2011). *“Rāhnamā-ye tahqīq va negāreš dar honar”* (Guide to research and writing in art). Translated by Betty Avakian. Tehran: SAMT (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities). [Persian]
- Donohoe, Martin Henry. (1919). *“With the Persian Expedition”*. London: Edward Arnold. [Persian]
- Dunsterville, Lionel Charles. (1920). *“The Adventures of Dunsterforce”*. London: Edward Arnold. [Persian]
- Farhad, Masoumeh; McWilliams, Mary; & Rettig, Simon. (1401/2022). *“Šowq-e majmu’e-dāri: Ganjineh-ye āsar-e lāki-ye Irān dar ‘asr-e qājār az majmu’e-ye Ezzat-Malek-e Sudāvar”* (The passion of collecting, the treasure of Iranian lacquer works in the Qajar era from the collection of Ezzet Malek Soudavar). Translated by Alireza Baharlu and Kianoush Motamedi. Sari: Xāne-ye Farhang va Honar-e Mān (Maan Center). [Persian]
- Khalili, Nasser. (1386/2007). *“Kārha-ye Lāki”* (Lacquer works). Translated by Soudabeh Rafiei Sakhayi. Tehran: Kārang. [Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1387/2008). “Qahti-ye bozorg” (great famine). Translated by Mohammad Karimi. Tehran: Mo’assese-ye Motale’āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Okhovvat, Mirza Abdul-Javad. (1386/2007). *“Az tebābat tā tejārat: Xāterāt-e yek tājer-e Esfāhāni: Hāj Mirzā ‘Abd-ol-Javād-e Oxovvat”* (From medicine to business, memories of an Isfahanian businessman). Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian].

- Pakbaz, Ruyin. (1385/2006). “*Naqāshi-ye Irāni az dirbāz tā emruz*” (Iranian painting from ancient times to today) (5th ed.). Tehran: Zarrin va Simin. [Persian]
- Pakbaz, Ruyin. (1390/2011). “*Dāyerat-ol-ma’āref-e honar*” (Encyclopaedia of Art) (11th ed.). Tehran: Farhang-e Mo’āser. [Persian]
- Shahri, Jafar. (1371/1992). “*Tehrān-e qadīm*” (Old Tehran) (Vol.1). (3rd ed.). Tehran: Binā. [Persian]
- Yavari, Hossein; & Ebtahaj Hamdani, Helia. (1390/2011). “*Seyri dar qalam-dān-hā-ye lāki-roqani-ye Irān*” (A survey of Iranian lacquer and oil pencil cases). Tehran: Simā-ye Dāneš (Simaye Danesh Book Publisher). [Persian]

#### Articles

- Fazeli, Nematollah. (1374/1995). “Darāmadi bar Jame’e-šenāsi-ye honar va adabiyāt” (An introduction to the sociology of art and literature). *Fasl-nāme-ye ‘Olum-e Ejtemā’ee* (Social Sciences Quarterly), 4 (7 & 8), pp. 107-133. [Persian]
- Nayefi, Seddigheh; Javani, Asghar; & Moridi, Mohammadreza. (1397/2018a). “Bāztāb-e qalandarān-e Safavi dar negāre-ye šotor-e tarkibi hamrāh bā sārebān” (Reflection of Safavid qalandars in “the composite camel with attendant”). *Jāme’e-šenāsi-ye honar va adabiyāt* (Sociological Journal of Art and Literature), 10(1), pp. 153 – 187. [Persian]
- Nayefi, Seddigheh; Javani, Asghar; & Moridi, Mohammadreza. (1397/2018b). “Hākemiyat bar ro’āyā: Bāztāb-e eedeoloži-ye Safaviyān dar naqāši-hā-ye mard-e savār bar asb va fil-e tarkibi (Peykareh dar peykareh)” (Sovereignty over the Ra’āyā: Reflection of Safavid ideology in “Man on a Composite Horse and Elephant” Paintings). *Fasl-nāme-ye Tārix va Tamaddon-e Eslāmi* (The Journal of Islamic History and Civilisation), 14(28), pp. 121-158. [Persian]
- Sajjadi Baghbadrani, Seyyede; Khaje Ahmad Attari, Alireza; Ashuri, Mohammad Taghi; & Khoddami, Alireza. (1400/2021). “Motālēe-ye tahavvolāt-e siyāsi va farhangi-e dowre-ye Šāh Tahmasb-e Safavi va ta’sir-e ān dar naqāši-ye in dowre bā tavajjoh be nazariye-ye bāztāb” (Study of political and cultural developments during the reign of the Safavid Shah Tahmasb and its effect on painting of this



period according to reflection theory). *Fasl-nāme-ye 'Elmi-ye Negareh* (The Scientific Quarterly Journal of Negreh), 16(58), pp. 89-103. [Persian]

#### Newspapers and magazines

*Kāšef-e Asrār*, 1336 SH / 1957 AD, issue 11. [Persian]

*Mofatteš-e Irān*, 1336 SH / 1957 AD, issue 2. [Persian]

*Ra'd*, 27 November 1917. [Persian]

#### Online sources

*“Qalam-dān-e lāki bā naqš-e zendegi-ye ejtemā'ee – Dowre-ye tārixi: Nā-ma'lum”*

(Lacquered pencil case with motifs of social life - Historical period: Unknown)

B2n.ir/r53034. [Persian]